

## مناظره در ادب پارسی

یکی از انواع شعر فارسی از لحاظ محتوا و درونمایه مناظره است. مناظره در لغت: «مباحثه کردن و بحث با یکدیگر درباره حقیقت و ماهیت چیزی، یا با هم سؤال و جواب کردن است.»<sup>۱</sup> و به تعبیری دیگر مکالمه و گفت و گویی است دو طرفی (Dialogue) که هر طرف با استدلال و ارائه براهین، سعی می‌کند که برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات برساند. از لحاظ علم منطق، مناظره: «توجه متخصصین است در اثبات نظر خود، در مورد حکمی و نسبتی از نسبتها برای آشکار کردن حق و صواب».<sup>۲</sup>

کاربرد شیوه مناظره یا سؤال و جواب در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. اولین نمونه از این سبک را در ادبیات قبل از اسلام و در آثار بازمانده از زبان پهلوی، می‌توان دید. درخت آسوری (آسوریک) منظومه مفاخره آمیزی است میان بز و نخل که به زبان پارسی یا پهلوی اشکانی سروده شده، ولی اکنون به خط پهلوی در دست است. احتمالاً ایرانیان این نوع ادبی را که دارای خصوصیات ادبیات شفاهی است، در ادوار قدیم از بین انهرین اقتباس کرده‌اند. نمونه‌هایی از آن در متون سومری اکدی دیده می‌شود. درخت آسوری با توصیف کوتاهی از یک درخت، بی آنکه صراحتاً از آن نام برده شود، به شکل معمایاچیستان، از زبان شاعر آغاز می‌شود (بند ۱) و با این توصیف شنونده یا خواننده بی می‌برد که منظور نخل است. آن گاه نخل خود فوائد خویش را برای

بز برمی‌شمارد (بند ۱ تا ۲۰) مانند فوایدی که میوه آن در بردارد یا ابزارهایی که از چوب و برگ و لیاف آن ساخته می‌شود. در بخش بعدی (بند ۲۱ تا ۵۳) بز با او به معارضه برمی‌خیزد و او را تحقیر و استهزای می‌کند و فوائد خود را مانند خوراکیهایی که از شیر او درست می‌کنند یا کاربردی که شیر او در مراسم دینی زرتشتی دارد و نیز ابزارهایی که از اندامهای او مانند پوست و پشم و روده و غیره می‌سازند، برمی‌شمارد. سرانجام به زعم شاعر (بند ۵۴) بز پیروز می‌شود. آ بنا به نوشته محمود روح‌الامینی این منظومه از شاعری ناشناخته و شامل ۱۲۱ بیت است و به عنوان سروده‌ای فولکلور از روزگار کهن در میان عامه مردم رواج داشته است.<sup>۳</sup>

امام متکرفن مناظره در شعر فارسی دری، ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی سراینده **گوشامسپ‌نامه** است. مناظرات پنجگانه اسدی که عبارت‌اند از: «عرب و عجم»، «آسمان و زمین»، «نیزه و کمان»، «شب و روز» و «مغ و مسلمان»، در قالب قصیده به رشته نظم درآمده<sup>۴</sup> و شاعر در هر کدام گفت و گویی را «بین دو طرف تخیل کرده و دلایل هر یک را بر ترجیح خود نسبت به دیگری آورده و سرانجام یکی را مجیب و دیگری را مجاب ساخته و آن گاه به مدح ممدوح وارد شده است. البته تازگی کار اسدی در این قصاید، باعث باقی ماندن آنها شده است و گرنه این شاعر در قصیده سرایی ید طولایی ندارد.»<sup>۵</sup>

# مناظره

به عنوان نمونه، مناظره مغ و مسلمان گفت و گویی است میان شاعر و روحانی زرتشتی پیرامون تفوق قیله اسلام بر قیله زرتشت (آتش) و سرانجام به ابطال عقیده مغ خاتمه می یابد، ابیاتی از این مناظره ذکر می شود:

ز جمع فلسفیان با مغی بدم پیکار

نگر که ماند ز پیکار در سخن بیکار

و راه قیله زرتشت بود یکسره میل

مراه قیله فرخ محمد مختار

نخست شرط بکردیم کان که حجت او

بود قوی تر، بر دین او دهیم اقرار

مغ آنگهی گفت ز قیله تو قیله من

به است کز زمی آتش به فضل به بسیار

به تف آتش بر خیزد ابر و جنبد باد

زمی ز قوتش آرد پرو درختان بار

... جواب دادم و گفتم تو فضل زمن

شنو یکایک و بر حجتم خرد بگمار

زمین چه باشد اگر زیر آتش است که او

فروتن است و فروتن بدان نباشد عار

گذار مؤمن و کافر به حشر جمله بر او است

هم او در آخر در دوزخ است با کفار...<sup>۷</sup>

بعد از اسدی طوسی، شاعری که نوع مناظره را بیش از دیگران در آثار خود آورده است، نظامی گنجوی شاعر مشهور قرن ششم هجری است. وی در مثنوی «شرفنامه» مناظره ای میان نقاشان چینی و رومی در حضور خاقان چین و اسکندر ترتیب داده است که ابیاتی از آن در زیر آورده می شود: روزی از روزهای نوبهار خاقان چین مهمان اسکندر بود. در آن مجلس سراسر خرمی و ناز و نوش صحبت از این بود که زیرک ترین کیستند از جهان:

یکی گفت نیرنگ و افسونگری

ز هندوستان خیزد آر بنگری

یکی گفت بر مردم شوربخت

ز بابل رسد جادوئیهای سخت

یکی گفت کابدگه اتفاق

سرود از خراسان و رود از عراق

یکی گفت نقاشی از اهل روم

پسندیده شد در همه مرز و بوم

ز رومی و چینی در این داوری

خلافی بر آمد به فخر آوری

نمودند هر یک به گفتار خویش

نموداری از نقش پرگار خویش...<sup>۸</sup>

همچنین گفت و گوی بین خسرو و شیرین در منظومه خسرو و

شیرین نظامی نوعی مناظره است. از این به بعد نوع مناظره غالباً با کلمه (گفتم گفتی) شروع می‌شود که نوعی سؤال و جواب است و در واقع نوعی جدل یا احتجاج و مفاخره است.

دکتر محمد غنیمی هلال در اثر خود به نام ادبیات تطبیقی ریشه این نوع مناظره‌ها را به دوران افلاطون و ارسطو می‌رساند و می‌نویسد: «شاید رواج افکار «افلاطون» و «ارسطو» بین مسلمانان و به احتمال قریب به یقین وجود کتابهایی با عنوان «المحاسن»، که در آن روزگار در زمینه مجادلات خطابه‌ای پرداخته می‌شد، در رواج این قبیل محاورات و مناظرات در قرنهای نخستین اسلام مؤثر بوده است. وجود کتابهایی با عنوان «محاسن» و موضوعهای اخلاقی ریشه در زبان پهلوی دارد.

در زبان پهلوی، رساله‌هایی با عنوان شایسته‌نشیست، مشروع و نامشروع به دست ما رسیده است. این رساله‌ها از ادبیات دینی زرتشتی مایه گرفته است. مضمون رساله‌های مزبور در قرن هفتم و هشتم میلادی، تحت عناوین و موضوعهای اخلاقی «محاسن و مساوی» تغییر شکل داد و این گرایش اخیر در کتابهای عربی با سرشت آموزشی، اخلاقی نفوذ کرد. موضوع این کتابها، آداب معاشرت در قالب «محاسن و مساوی» اخلاقی است.

کهن‌ترین کتاب عربی که با نام المحاسن برای ما به جا مانده است، کتاب عمر بن فرخان طبری الاصل است. او تمایلات و فرهنگ ایرانی داشت و معاصر مأمون خلیفه عباسی بود و با جعفر برمکی روابط دوستانه داشت. کتابی نیز به نام المحاسن از ابن قتیبه شناخته شده و کتابهای دیگری به زبان عربی در همین زمینه نوشته شده است. کتاب المحاسن و الاضداد منسوب به جاحظ قابل ذکر است. این کتابها تحت تأثیر یک منبع مشترک از ادب پهلوی بوده است. از آنجا که کتابهای المحاسن زیر نفوذ اصل پهلوی قرار گرفته، هرگز خالی از ذکر «المساوی» نبوده است. احياناً در این کتابها، مناظرات به شکل پرسش و پاسخ تنظیم شده است.<sup>۹</sup> بی‌گمان رقابتهای نژادی، حزبی، سیاسی و مذهبی در تعلق شدید نسبت به مجادله و احتجاج در زمینه کشمکشهای دینی و قبیله‌ای تأثیری بسیار عمیق داشته است. انعکاس این تأثیر در روند تحول هجویت قبیله‌ای به «نقایض» آشکار می‌گردد که آنها به مناظرات نزدیک‌تر است تا هجویت جاهلی. این «نقایض» نظیر احتجاجات فرق اسلامی و سیاسی در زمینه آرای فقهی و انگیزه‌های جدلی پیرامون تمایلات طایفی و تعصبهای قبیله‌ای و نژادی است.

در آغاز عصر اموی نمونه‌های بسیاری از «ادب جدلی» در شکل احتجاج در قالب نظم و نثر می‌بینیم، مانند: احتجاج میان نمایندگان حضرت علی (ع) و فرستادگان معاویه، و میان شعرای طرفدار حضرت علی (ع) و شعرای هوادار معاویه. این جدل و گفت‌وگو در کتاب نقد النثر قدامة بن جعفر به عنوان نوعی از فن خطابه بررسی و ارزیابی شده است. قدامة بن جعفر و دیگر کسانی که در این زمینه به نقد پرداخته‌اند، متأثر از افکار «ارسطو» در فن خطابه بودند.<sup>۱۰</sup> برخی از شعرای عرب، اساس قصیده را بر مبنای احتجاج و مناظره میان خود و هم‌وارد و پاسخگویی به دشمن قرار

می‌داده‌اند. در شعر عربی که در ایران رونق یافت، قطعه‌هایی در مناظره میان دو تن یا میان شاعر و روزگار ناسازگار و یا بین شاعر و معشوقه‌اش می‌یابیم. در تمام این جریانها یک رکن قصیده بر نقل و قول مناظره‌گر، یا خصم یا معشوقه و رکن دیگر بر احتجاج و پاسخگوییهای شاعر استوار است.

در شعر فارسی هم شاعران قصیده‌سرا، اندیشه‌های خود را در قالب (گفت گفتم) یا (گفتا گفتم) اظهار کرده‌اند که در عربی هم به صورت «قالت و قلت» وجود دارد. برای بسیاری از شاعران صوفی، این نوع مناظره، فرصتی برای ترویج افکار اخلاقی و آموزشی بوده است.

مناظره گاهی بین دو انسان یا دو عاشق و معشوق است و گاهی بین دو حیوان یا دو پرنده و گاه بین دو شیء یا دو موجود مختلف است در ادب عرفانی بیشترین مناظره بین عاشق و معشوق و با کلمات: گفتم گفتی (گفتا) می‌آید، زیباترین نمونه آن در غزل معروف حافظ دیده می‌شود:

گفتم: غم تو دارم گفتا: غمت سر آید

گفتم: که ماه من شو گفتا: اگر بر آید

گفتم: ز مهرورزان رسم وفا بیاموز

گفتا: ز خوبرویان این کار کمتر آید

گفتم: که بر خیالت راه نظر بیندم

گفتا: که شبر و ست او از راه دیگر آید...<sup>۱۱</sup>

همچنین غزلهای دیگر با مطلع:

گفتم: ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب

گفت: در دنبال دل ره گم کند مسکین غریب

(غزل ۱۴ ص ۲۱)

و:

گفتم: کیم دهان و لبست کامران کنند

گفتا: به چشم هر چه تو گویی چنان کنند

(غزل ۱۹۸ ص ۲۶۸)

و:

گفتا برون شدی به تماشای ماه نو

از ماه ابروان منت شرم باد، رو

(غزل ۴۰۶ ص ۵۵۲)

از شیخ مصلح‌الدین سعدی نیز در بوستان و گلستان مناظرات جالبی نظیر گفت‌وگوی میان «پروانه و شمع» و «کرکس و زغن» و «رایت و پرده» باقی است. همچنین جدال بامدعی در بیان توانگری و درویشی از بهترین نوع مناظره و مجادله در آثار سعدی است. از خواجوی کرمانی مناظراتی مانند: «نمد و بوریا»، «تیغ و قلم»، «شمس و سحاب» و از هلالی جغتایی (مقت: ۹۳۶) مناظره «تیر و کمان» در منظومه شاه و گدای او باقی مانده است. در ادبیات کلاسیک و نیز در ادبیات معاصر نمونه‌های فراوانی از این نوع ادبی دیده می‌شود. از معاصران شادروان ملک‌الشعراى بهار، مناظرات جالبی همانند مناظره «چشمه و سنگ»، «نی و بلوط» «بط ماده و بط نر»، «ضیمران و بید» وجود دارد. از میان شاعران معاصر، پروین اعتصامی

شاعری است که با قدرت ذوق و ابتکار خاص خود، مناظرات زیبا و آموزنده‌ای را از زبان اشیاء، پرندگان، عناصر طبیعت، از قبیل: سوزن و پیراهن، دیگ و تاوه، مور و مار، مرغ و ماهی، صیاد و مرغ، ابر و باران، کرباس و الماس، کوه و کاه، چشم و مژگان، دام و دانه، آینه و شانه، سیر و پیاز، عدس و ماش و... استادانه به رشته نظم درآورده است. نمونه‌ای از مناظره «گنج و درویش»:

به غاری تیره، درویشی دمی خفت

در آن خفتن به او گنجی چنین گفت:

که من گنجم چو خاکم پست مشمار

مرا زین خاکدان تیره بردار...

برای خود مهیا کن سرایی

چراغی، موزه‌ای، فرش، قیایی

اما پاسخ درویش، پاسخ مردانزوانیست. پاسخ شرف و غرور و بلندی روح انسانی است که نمی‌خواهد حتی در عین فقر و امکان رسیدن به اشرافیت، به فساد مادپرگرای آلوده شود و در آن سقوط کند.

بگفت: ای دوست ما را حاصل از گنج

نخواهد بود غیر از منت و رنج...

مرا افتادگی آزادی داد

نیفتاد آن که مانند من افتاد

چو شد هر گنج را ماری نگهدار

نه این گنجینه می‌خواهم نه آن مار...

هر اس راه و بیم رهزمن نیست

که دیناری به دست و دامنم نیست<sup>۱۳</sup>

#### پانوشتها:

- ۱- لغت نامه دهخدا، ذیل واژه مناظره.
- ۲- فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۴ ص ۴۳۷۲.
- ۳- دکتر احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۵۶.
- ۴- محمود روح الامینی، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، ص ۲۷.
- ۵- دکتر حسین رزمجو، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۱۳۳.
- ۶- دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲ ص ۴۰۷.
- ۷- همان، ص ۴۱۳.
- ۸- کلیات خمسه نظامی، بخش شرفنامه، ص ۱۰۷۷.
- ۹- دکتر محمد غنیمی هلال، ادبیات تطبیقی، ترجمه دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، ص ۳۴۵.
- ۱۰- همان، ص ۳۴۷.
- ۱۱- دکتر خلیل خطیب رهبر، دیوان غزلیات حافظ، غزل ۲۳۱ ص ۳۱۳.
- ۱۲- دکتر حسین رزمجو، انواع ادبی، ص ۱۱۶.
- ۱۳- فصلنامه مطالعات ملی، ش ۱۳، ص ۴، پاییز ۱۳۸۱.

با بررسی مناظره در اشعار پارسی کلاسیک و معاصر می‌توان گفت که این نوع ادبی در قالبهای: قصیده، غزل، قطعه، رباعی، دوبیتی، مثنوی، آمده و در تمام قالبهای شعری از این نوع مناظره و مفاخره استفاده گردیده است.

و اکاوی مناظره یا بحث و گو در اشعار بزرگان ادب پارسی، زمینه‌ای است که می‌توان با کمک علم گفتمان‌شناسی (Discourse Analysis) آن را تحلیل و تبیین و گفتمان‌شناسی که از



شاخه‌های جدید فلسفی است، اصول گفتمانی و کوراز از بعد نظری مورد مذاقه قرار داده و گفت و گوگران خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. متفکران و محققانی که در مباحث نظری گفت و گویا مناظره، تحلیل نموده‌اند، می‌گویند که حقیقت در علوم انسانی به وجود نمی‌آید مگر از طریق تفاهم بین الذهانی، و تفاهم